



## حضرت زهرا(س) در قرآن- حجت الاسلام محرابیان

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت زهرا(سلام الله علیها) در قرآن

الحمد لله رب العالمین، اللهم صل علی محمد و آل محمد  
راجع به فاطمه زهرا آیاتی که در قرآن مطرح است،  
چند آیه‌ای که هم شیعه و هم سنی قبول دارد،  
خدمتتان می‌گویم.

فاطمه‌ی زهرا در قرآن. البته اسم فاطمه نیامده است.  
ولی در مورد آیاتی شیعه و سنی همه گفته‌اند که مراد  
فاطمه است. یکی از این آیات، آیه‌ی مباحله است.  
در قرآن در سوره‌ی آل عمران می‌فرماید...

## ۱- برهان و استدلال، مقدم بر مقابله و مباحله

اول به شما بگویم که دین ما دین استدلال است. «جاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ» (صف ۶۷) بینة و بینات در قرآن آمده است. بینة یعنی چیزی که قصه را روشن کند. دیگر جای شکی برای کسی باقی نگذارد. و لذا مصداق بینة معجزه است.

دین ما دینی است که با بیان و معجزه و برهان و استدلال ... دین ما با برهان و استدلال با مردم صحبت می‌کند. اگر طرف جنگجو بود، در مقابل جنگ مقابله به مثل می‌کند. در مقابل جنگ مقابله به مثل می‌کند.

و این مقابله به مثل هم کار خود خداست. اینقدر آیه داریم در قرآن که می‌گوید: کار خدا مقابله به مثل است. من دوست دارم که این آیه كوچكها را حفظ کنید. سفارش من هم به کسانی که می‌خواهند قرآن

حفظ کنند این است که اگر بناست قرآن حفظ کنند،  
آیه‌های کوچک را حفظ کنند. آیه‌های دوکلمه‌ای!

۱ «- فَادْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ» (بقره/۱۵۲) شما یاد من باشید، خدا  
می‌گوید من هم یاد شما هستم.

۲ «- وَ اَوْفُوا بِعَهْدِي» شما به عهد من وفا کنید، من  
هم «اَوْفِ بِعَهْدِكُمْ» (بقره/۴۰) به عهد شما وفا می‌کنم.

۳ «- اِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ» شما خدا را یاری کنید  
«يَنْصُرْكُمْ» (محمد/۷) خدا هم شما را یاری می‌کند.

۴ «- زَاغُوا» اگر منحرف شوید خدا هم شما را منحرف  
می‌کند. «اَزَاغَ اللَّهُ» (صف/۵)

يعني مقابله به مثل! اگر خواستند بجنگند، ما هم مي جنگيم. منتها پيغمبر اسلام به مسيحي ها گفت: معجزه را که شما قبول نکردید، بيايد نفرين کنيم. مسلمان ها يك نفرين مي کنند به جان مسيحي ها، مسيحي ها هم يك نفرين مي کنند به جان مسلمان ها، هر نفريني عملي شد، معلوم مي شود آن نفرين کننده حق است که نفرينش گيرا شده است. اسمش هم مباحله است.

## ۲- ماجرای مباحله پیامبر با مسیحیان

آیه ي مباحله در سوره ي آل عمران است. آیه ۶۱! آیه این است: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ» يعني کسی که احتجاج مي کند و چانه مي زند، «مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ» با اینکه علم به تو داديم. مي فهمد ولي باز هم چانه مي زند. به او بگو ديگر چانه نزن. «فَقُلْ تَعَالَوْا» بيا «نَدْعُ أَبْنَاءَنَا» بچه هايمان را مي خوانيم، «وَأَبْنَاءَكُمْ»

شما هم بچه‌هایتان را بخوانید، «و نِسَاءَنَا» خانمان را می‌خوانیم، «و نِسَاءَكُمْ» و شما هم خانمتان را بخوانید. «و أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ» ما جانمان را می‌آوریم، شما هم جانتان را بیاورید. «ثُمَّ نَبْتَهِلُ» به همدیگر نفرین می‌کنیم.

فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَذِبِينَ» می‌گوییم خدا لعنت کند دروغگو را! بعد هر نفرینی مستجاب شد، معلوم می‌شود که حق است.

حالا این آیه‌ای که مربوط به حضرت زهرا است، این است: «تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ» بچه‌هایمان را می‌آوریم، بچه‌هایتان را بیاورید. «و نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ» زن‌هایمان را می‌آوریم و زن‌هایتان را بیاورید. «و أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ» جانمان را می‌آوریم ... شیعه و سنی گفته‌اند که مراد از بچه‌ها حسن و حسین بوده‌اند.

مراد از زن فاطمه بود. و اینکه جانمان را می‌آوریم،  
علی بن ابیطالب بود. الله اکبر! یعنی علی جان پیغمبر  
است. قدیمی‌های ما یک چیز قشنگی می‌گفتند.  
دهانشان مبارکباد. می‌گفتند: «بارها گفت محمد که  
علی جان من است» این ریشه‌اش قرآنی است.

جان ما جانتان! «بارها گفت محمد که علی جان من  
است» این ریشه‌ی قرآنی دارد. و لذا اگر یک کسی هم  
گفت که علی بن ابیطالب از باقی انبیاء برتر  
است، چانه‌نزنید. اگر پیغمبر ما از پیغمبرهای دیگر  
برتر است، علی هم جان اوست، پس علی هم از  
پیغمبرهای دیگر برتر است. خیلی خوب! جانمان را  
می‌آوریم.

### ۳- انتصاب امام از سوی خداوند

از یک جوان یمنی یک چیزی شنیدم، برای شما بگویم.  
گفت ما با افراد بحث می‌کردیم، ببینید استدلال و  
گفتگوی علمی حسابش جداست. ما با هیچ کس

درگيري هم نداريم. ولي ... مي گفتم با يکي ما بحث مي کرديم و مي گفتم آقا شما حضرت مهدي را مثل ما قبول داريد؟

گفت: بله! حضرت مهدي را ما قبول داريم. که مي آيد و دنيا را پر از عدل و داد مي کند. گفت خوب جمع شويد و رأي بدهيد. جمع شويد و رأي بدهيد و حضرت مهدي را با انتخابات تعيين کنيد بيايد و دنيا را اصلاح کند. گفت: آخر ببينيد ما نمي توانيم حضرت مهدي را با رأي بياوريم و حضرت مهدي کنيم. او را بايد خدا تعيين کند. خدا بايد مهدي را برساند. کار ما نيست که با انتخابات مهدي تعيين کنيم.

گفت: ببين اگر امام را بايد خدا تعيين کند، هم اولين امام را بايد خدا تعيين کند، هم آخرين امام را! اينکه شما بگوييد اولي اش را ما جمع مي شويم و رأي مي دهيم، آخرش را خود خدا بيايد درست کند، اين درست نيست.



اگر امامت کار خداست، هم اولش کار خداست و هم آخرش! اینکه امام اول را شما گفتید حالا به فلانی رأی می‌دهیم، حالا خیلی خوب دست شما درد نکند.

آخري را می‌گویید خود خدا بیاید و درستش کند. این تضاد برای چیست؟ امام را باید خدا تعیین کند. «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره/۱۲۴) «أَنْفُسَنَا» جان من است. اینجا شیعه و سنی گفتند که مراد از «نَسَائِنَا» حضرت زهراست. این يك جا که حضرت زهرا در قرآن است. سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۶۱.

حالا يك چیزی هم می‌خواهم بگویم. نمی‌دانم آدم دلش می‌سوزد. واقعاً بعضی کفار، بعضی کافران، يك کاری می‌کنند که مسلمانان باید شرمنده بشوند. زیادی گوش بدهید.

پیغمبر، زهرا و علي بن ابیطالب و امام حسن و امام حسین، این چهار بزرگوار را همراه خودش آورد.



مسیحی‌ها جمعیتی بودند و دیدند پیغمبر يك زن و يك مرد و دو بچه آورده است.

نگاه کردند و زن و بچه‌ی پیغمبر را دیدند، نزد بزرگشان رفتند، گفتند: بنا بوده به هم نفرین کنیم. ما يك جمعیتی آمده‌ایم، پیغمبر با پنج نفر آمده است. بزرگشان گفت اگر ... - زیادی گوش بدهید، این جمله را امسال عاشورا در کاشان از يك فرهنگی یاد گرفتم، يك دبیر فرهنگی بود، بیست سال است که جمعه‌ها دارد تفسیر می‌گوید.

يك جلسه‌ی فامیلی دارد، تفسیر هم از خودش نمی‌گوید. از روی تفسیرهای ترجمه المیزان و نمونه و نور و امثال اینها، آدم اگر خواسته باشد کار بکند، می‌تواند کار کند. بیست و هشت سال است که این دبیر يك جلسه‌ی فامیلی دارد و يك جمعه تعطیل نکرده است.

بعد براي ۲۰۰، ۳۰۰ نفر از فرهنگي‌ها تفسير مي‌گويد، براي امت كاشان هم تفسير مي‌گويد. ۲۱ سال كشيده، فاميلى‌اش ۲۸ سال، باقي مردم ۲۱ سال. يك دور تفسير مطالعه كرد و گفت. من خيلي از اين خوشم آمد بعد ديدم يك چيزي گفت كه براي من هم تازگي داشت و از اين فرهنگي ياد گرفتم. گفت در اين آيه‌ي مباحله، كه پيغمبر بنا شد نفرين كند به مسيحي‌ها و مسيحي‌ها هم نفرين كنند به پيغمبر، وقتي مسيحي‌ها ديدند پيغمبر ۵ نفري آمده‌است، با بزرگشان صحبت كردند، گفتند: زن و بچه‌اش را آورده است... -

گفت: اگر زن و بچه‌اش را آورده است، پيدا است به كارش عقیده دارد، چون هيچ كس زن و بچه‌اش را در معرض خطر نمي‌گذارد. پيدا است اين ايمان دارد. پس عقب بنشينيد و حيا كنيد و كنار برويد. مي‌دانيد چه

مي خواهم بگويم؟ سي ثانيه فكر كنيد و بگويد چه  
مي خواهم بگويم؟ هيچ كس هيچ چيز نگويد.

شما هم كه پاي تلويزيون هستيد، سي ثانيه فكر كنيد  
كه چه مي خواهم بگويم. هيچ كس هيچ چيزي  
نگويد. مي دانيد چه مي خواهم بگويم؟ مسيحي ها  
وقتيديدند پيغمبر زن و بچه اش را آورده است، حيا  
كردند. اما لشكر يزيد در كربلاديدند امام حسين زن  
و بچه اش را آورده است، حيا نكردند.

خدايا آن به آن به عذاب كساني كه به اهل بيت ظلم  
كردند، بيفزا! ما و نسلمان را تا آخر تاريخ بهترين  
مؤمنين و مؤمنات قرار بده. خوب اين يك جا كه  
حضرت زهرا هست.

۴- انفاق حضرت زهرا(س)، سبب نزول آياتي از  
قرآن

جای دیگری که حضرت زهرا هست، «و يُطْعَمُونَ  
الطَّعَامَ» (انسان/۸) سوره‌ی انسان، سوره‌ی دهر! این را  
دیگر ایرانی‌ها بارها پای منبرها شنیده‌اند. از خود من  
ممکن است چند بار شنیده باشند.

ماجرا این است که امام حسن و امام حسین کوچک  
بودند و مریض شدند، پیغمبر و جمعیتی به عیادت  
رفتند، پیشنهاد کردند که یا علی نذر کن اگر بچه‌ها  
خوب شدند، روزه بگیر.

اینها هم نذر کردند و بچه‌ها هم خوب شدند و سه  
روز روزه گرفتند و هر سه شب رفتند که غذا بخورند،  
يك شب مسکین و یتیم و اسیر، یا سه شب و یا يك  
شب سه گروه آمدند و اینها مرتب غذایشان را دادند  
و با آب افطار کردند. آیه‌ی «يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ» آمد.  
این هم يك جا.

یکی هم «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (کوثر/۱) که مراد از کوثر  
زهراست. این هم يك مورد.

يك جايي كه يك مقداري معطلی داریم، این است كه  
«...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» (شوری/۲۳) پیغمبر فرمود كه  
من مزد نمی‌خواهم، مگر مودت! این «إِلَّا الْمَوَدَّةَ» يك  
مقداري فنی است.

یعنی همه‌ی شما باید در سطح دانشجو و دبیرستانی  
گوش بدهید، وگرنه بحث حرام می‌شود و خیلی از  
شما هم بالاتر از این حد هستید. یعنی افراد عادی ما  
هم از بس كه پای منبر نشیسته‌اند، دیگر فرهنگشان  
بالاست. يك صلوات بفرستید.

## ۵- محبت اهل بیت، مزد رسالت پیامبر

در سوره‌ی شوری آیه‌ی ۲۳ قرآن می‌فرماید كه به  
مردم بگو كه من هیچ مزدی از شما نمی‌خواهم، مگر  
... سوره‌ی شوری ... يك صلوات دیگری بفرستید.  
«قُلْ» به مردم بگو! پیغمبر به مردم بگو! «لَا أَسْأَلُكُمْ»  
من از شما سؤال نمی‌کنم. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا»

من اجر (اجر يعني مزد) من اجر و مژدي از شما در مقابل نبوتم از شما نمي‌خواهم. «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» مگر مودت قريبي! اين مزد پيغمبر است. اين يکي «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»

يک جاي ديگر مي‌فرمايد که: به مردم بگو مژدي از شما نمي‌خواهم، «إِلَّا مَنْ شَاءَ» هر که بخواهد «أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (فرقان/۵۷) هر دو إِلَّا دارد. يک جا قرآن مي‌گويد من مزد نمي‌خواهم، مگر اينکه راه خدا را برويد.

من ۲۳ سال براي شما پيغمبر بودم، از ۴۰ سالگي تا ۶۳ سالگي! همه ي زجرها را کشيدم، الان هم که مي‌روم مژدي نمي‌خواهم، فقط راه خدا را برويد. «سَبِيل» در عربي است. «سَبِيل» يعني چه؟ «سَبِيلُ اللَّهِ» يعني راه خدا! «إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» يعني هيچ نمي‌خواهم، مگر راه خدا! پس اين جا گفته است مگر راه خدا. «يَتَّخِذَ» يعني انتخاب کنيد.

انتخاب راه خدا! مگر انتخاب راه خدا. مزد من  
انتخاب راه خدا. يك جا مي گوید هیچ نمی خواهی،  
مگر مودت اهل بیت.

بحث من اینجا است که گفتم از اینجا باید يك خورده  
تیز گوش بدهید، این است. دو مگر داریم. دو مگر یا  
دروغ است و یا یکی است.

حالا من مثال های دروغ را می گویم. من می گویم هیچ  
نمی خورم، مگر آب. بعد بگویم هیچ نمی خورم مگر  
نان. راست است یا دروغ؟ دروغ است. هیچ وقت  
درس نمی خوانم مگر تابستان، هیچ وقت درس  
نمی خوانم مگر زمستان. راست است یا دروغ؟ دروغ  
است. این دو مگر دروغ بود. یا اینکه این دو مگر یکی  
باشد. مثل این جمله که می گویم: هیچ نمی خورم مگر  
مایعات، بعد بگویم هیچ نمی خورم مگر آب. این دروغ  
نیست. چون آب و مایع یکی است.



## ۶- راه اهل بیت، راه رسیدن به خدا

در قرآن دو مگر داریم. ... إِلَّا... إِلَّا... «إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا»، «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» دو مگر داریم. مزد نمی‌خواهم مگر راه خدا! مزد نمی‌خواهم مگر مودت اهل بیت! این دو مگر یا یکی است و یا دروغ است. خدا که دروغ نمی‌گوید. پس معلوم می‌شود که راه خدا جز راه اهل بیت نیست. خلاص!

شوخی نکن! من از راه موسیقی به خدا می‌رسم. ول کن. خدا گفته است که راه خدا راه اهل بیت است. من می‌روم در خانقاه با ذکر به خدا می‌رسم. آقا شوخی نکن. راه خدا یکی بیش‌تر نیست و آن راه اهل بیت است. هر وقت اهل بیت در خانقاه رفتند، تو هم برو! راه خدا... من از فقه فلانی به خدا می‌رسم. فقه فقط فقه اهل بیت.

ببینید حرف چکشی است. استدلالی است که احادی نمی‌تواند جواب بدهد. احادی این استدلال را نمی‌تواند جواب بدهد. اگر کسی جواب داد، ما هر جایزه‌ای که تعیین کنند، در وسعمان به او می‌دهیم.

يك بار دیگر گوش بدهید. آقایانی که دیر تلویزیون را روشن کرده‌اید. هیچ نمی‌خواهم مگر راه خدا. هیچ نمی‌خواهم مگر مودت.

دو مگر در قرآن است. نصفش را من می‌گویم، نصفش را شما بگویید. دو مگر یا دروغ است، یا یکی است. باید یکی باشد. بگویم: هیچ نمی‌خورم، مگر آب. بعد بگویم هیچ نمی‌خورم مگر نان. خوب دروغ است. درس نمی‌خوانم مگر تابستان، درس نمی‌خوانم مگر زمستان. خوب دروغ است. دو مگر دروغ است. یا اینکه باید قابل تطبیق باشد. باید ۱۰۰ درصد قابل تطبیق باشد. مثل اینکه بگویم: چیزی نمی‌خورم جز

مايع. بعد بگويم: چيزي نمي خورم جز آب. اين جز  
مايع جز آب دروغ نيست.

چون مايع و آب يکي است. دو مگر در قرآن است.  
مزد نمي خواهم مگر راه خدا، مزد نمي خواهم مگر  
مودت، معلوم مي شود راه خدا جز راه مودت نيست.  
کسي نمي تواند بگويد: بله! ما اهل بيت را دوست  
داريم، ولي فقه و قانون و اينها را از قوانين ديگر  
استفاده مي کنيم. و سراغ فقه کس ديگر مي رويم.  
سراغ عرفان نمي دانم فلاني مي رويم. سراغ فلسفه  
فلاني مي رويم. سراغ ... قرائات مختلف هست.

دين قرائات مختلفي دارد ما از آن قرائت به خدا  
مي رسيم. مثل فيلم مارمولك كه مي گفت هر کسي از  
يك راهي به خدا مي رسد. شوخي نکنيد آقا! راه خدا  
يکي بيش تر نيست و آن راه اهل بيت است. بنابر اين  
تمام اينهايي که مي گویند قرائات مختلف، خانقاه،

عرفان، فلسفه، نمی‌دانم شعر، موسیقی، فقه فلان، فقه فلان، فقه فلان، «إِلَّا» الا شوخی ندارد. إِلَّا جدي است. «الا مودة» راه خدا جز راه محبت اهل بیت نیست.

یعنی ما باید دینمان را از اهل بیت بگیریم. کسانی که دینشان را، راه خدا را از کس دیگر می‌گیرند، در مقابل این آیه باید جواب بدهند. بنده هم کاره‌ای نیستم. من به عنوان يك معلم قرآن حرف می‌زنم. پیغمبر فرمود: مژدي نمی‌خواهم، مگر راه خدا را بروید.

و فرمود: مژدي نمی‌خواهم مگر مودت اهل بیت. پیدا است که راه خدا فقط از راه اهل بیت است. اخلاق‌هایی که می‌گویند. من نمی‌دانم این اخلاق‌ها از کجا درست شده است؟ يك علم شنگه‌ای راه افتاده است. عزاداری‌ها...

مثلاً این قمه زدن راه اهل بیت است؟ کدام يك از اهل بیت قمه زده‌اند؟ کدام يك از مراجع قمه زده‌اند؟ این از قمه زدم مي‌خواهد به خدا برسد. برو و بزن به ما چه!!! ولي بدان که هوس است. راه خدا نیست. استاد اخلاق آمده است که اخلاق بگوید.

بله! فلاني يك قبر در خانه‌اش درست کرده است، زن‌ها هم چطور گریه مي‌کنند. زن‌ها بیش‌تر از مردها گول مي‌خورند. چه طور يك لیتر گریه مي‌کند. بله این هر شب در قبر مي‌خوابید که همیشه معاد را فراموش نکند.

ما وارد جلسه شدیم و دیدیم که بله استاد اخلاق دارد این حرف‌ها را مي‌زند. گفتم: آقا جان! کدام آیه مي‌گوید که در خانه‌ات قبر درست کن؟ کدام يك از اهل بیت در خانه‌شان قبر درست کردند؟ کدام يك از مراجع تقلید در خانه‌شان قبر درست کردند؟ چه مي‌گویی؟

گفت: فلان عارف! گفتم: بابا! «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ  
الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي» (مستدرک الوسائل/ج ۳/ص ۳۵۵) فلان  
عارف در حدیث نیست. «من المتقدم عنكم مارق»  
کسی اگر از اهل بیت جلو بیفتد مارق است. گاهی  
وقت‌ها افراد زیادی جلو می‌افتند.

## ۷- راه اهل بیت، به دور از افراط و تفریط

يك کسی همه‌ی لباس‌هایش را سبز کرد، ریش‌هایش  
را هم سبز کرد. گفتند: دیگر چرا ریش‌ت را سبز کردی،  
گفت: من می‌خواهم يك ضرب ۱۴ معصوم شوم.  
ببینید گاهی وقت‌ها افراد، نا میزان هستند. یا افراطی،  
یا تفریطی! در کشور ما هم چهل ستون است و هم  
بیستون.

هر دو هم ... چه عرض کنم. بابا نه چهل تا نه  
بیستون. ۴ ستون! توازن و تعادل! راه اهل بیت راه  
«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه/۶) مواظب باشیم،  
کسانی که عرفانشان را، اخلاقشان را، فلسفه‌شان را،

نمي دانم مكانشان را، ذكرشان را، وردشان را ... يك خانمي آمده و بود و به خانمها گفته بود كه هر كه اين ذكر را ۳۴۲ بار بگويد، گفتم خانم اين ۳۴۲ بار را از كجا آوردي؟ نه تجربه نشان داده است.

تو چه كارهاي كه به مردم ذكر مي گويي؟ آخر تو چه كار هستي؟ من تعجب مي كنم، الان كباب پزي تخصص مي خواهد، اگر تخصص نداشته باشد، گوشتها مي افتد در آتش! خط مستقيم در خيابان مي كشي، كارشناس مي خواهد، هر پليسي حق ندارد بردارد و يك خط در وسط خيابان بكشد.

چطور دين اينقدر بي صاحب شود كه هر كسي دستور تهذيب بدهد؟ متأسفانه خود بنده هم يكبار رفتم نزد يك بزرگوار، نسخه به من داد. گفت: چنين مي كني، چنين مي كني، چنين مي كني...



يك كسي گفـت چـون تـو طـلبـهـاي هـسـتي كـه مـن تـو رـا  
طـلبـهـي خـوبـي مـي پـنـدارم، بـلـنـد شـو و يـك ذـكـري در  
گـوش تـو بـگـويـم كـه تـو گـرفـتـار خـطـر نـشـوي! گـفـتم: خـدا  
حـفـظـت كـند، چـشم! گـفـت: نـه بـايد بـلـنـد شـوي و  
بـايـسـتي! مـا هـم بـلـنـد شـديـم و ايسـتـاـديـم. دسـتـش رـا بـر  
سـرم گـذاشـت و چـنـين كـرد پـچ ... پـوچ ... گـفـتم آقـاجـان  
مـن مـي خـواهم سـگ مـرا بـخـورد، زير بار اين ذـكـرها  
نـمي روم. قايم موشـكي نـداريم.

اين قرآن من است. قرآن مـي فرمايد: «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ  
مِنَ الْغَيِّ» (بقره/۲۵۶) يعـني رـاه رـشد شـفاف اسـت، رـاه  
گـمـراهـي هـم شـفاف اسـت. اين چـه ذـكـري اسـت كـه تـو  
مـي خـواهي بـگـويـي؟

بابا ولم كن تو را به حضرت عباس! جالب اين است  
كه من تحصيل كرده‌ها را هم مـي بينم كه كـلاه سـرشان  
مـي رود. بابا تو كه تحصيل كرده‌اي ... تو كه ليسانسي

... تو فوق لیسانسی ... ما داریم که آخوند هم گول می خورد. دیگر تو چرا؟

بابا «کِتَابَ اللَّهِ وَ اهل بیّتی» امام رضا فرمود: چیزی که از لب من بیرون می آید بگو مدرک قرآنی است چیست تا من ثابت کنم تمام کلمات من بند به یکی از آیات قرآن است. امام رضا (ع) می گوید: حرف من باید سند داشته باشد. هر کسی پیش خودش یک دکانی درست می کند، «إِلَّا الْمَوَدَّةَ»، «إِلَّا مَنْ شَاءَ» دو تا الا داریم. فقط راه خدا راه اهل بیت است.

کسی اگر در این خدشه کرد، بنده حاضر هستم بعد از ۲۸، ۲۹ سال بودن در تلویزیون، از تلویزیون استعفا بدهم. کسی اگر به این استدلال خدشه وارد کرد. راه خدا فقط راه اهل بیت است.

البته خوب هر کسی احترام دارد، احترام هر کسی محفوظ! ولی من خواسته باشم عمرم را ... اصلاً دست بشر را در دست غیر معصوم بگذاری ظلم به

بشر است. چون آخر دستان را در دست چه کسی می‌گذاری؟ این خودش هم گناه می‌کند. خودش هم پشیمان می‌شود. چرا ما دستان را در دست قوانین بین الملل می‌گذاریم که هر روز يك چیزی می‌گویند؟ دست بشر باید در دست ولي خدا باشد. در دست معصوم باشد.

اگر هم دسترسی به معصوم نیست، مرجع بی‌هوا و هوس، مرجع عادل، عادل بی‌هوا و هوس. وگرنه دست بشر را اگر در دست هر کس بگذاریم، ظلم به بشر است. چون همه‌ی ابر و باد و مه و خورشید برای بشر است. «خلق لکم» «سخر لکم» «متاعاً لکم» هستی برای بشر است. بشر هم برای عبادت است.

هستی را خدا به خاطر ما آفریده است، آن وقت بشر دستش را در دست غیر معصوم بگذارد. بنابراین غیر از معصوم، اخلاق اگر کسی گفت، عرفان اگر کسی

گفت، هر طرحي داد، قرائات مختلف اگر كسي  
گفت، كسي گفت من فقهه را از اين مي گوييم ... آخر  
بعضي ها مي گویند ما اهل بيت را دوست داريم.

اما دينمان را از فلاني مي گيريم. مي گوييم راه خدا  
نيست. «اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا» (مزمّل/۱۹) راه خدا فقط راه  
اهل بيت است. و محور اهل بيت فاطمه زهرا است.  
الله اكبر! مريم مادريك عيسي بود.

فاطمه مادر يازده عيسي است. تنها زن معصوم  
فاطمه بود. فاطمه خيلي مقام دارد. روايت داريم،  
امامان گفتند: ما حجت خدا بر مردم هستيم. بعد  
فرمودند: فاطمه حجت خداست بر ما.

خدایا! به فاطمه ... گفت مي روم حرم امام رضا چه  
دعايي كنم؟ گفتم به امام رضا بگو «بفاطمة»،  
«بفاطمة»، «بفاطمة» امامان ما فاطمه را خيلي  
دوست داشتند.

خدایا «بفاطمة»، «بفاطمة»، «بفاطمة» قسمت  
می‌دهم، دخترهای ما را عفت و دینشان را حفظ کن.  
«بفاطمة»، «بفاطمة»، «بفاطمة» قسمت می‌دهم،  
کشور ما، رهبر ما، دولت ما، ملت ما، مرز ما، انقلاب  
ما، آبروی ما، ناموس ما، نسل ما، دین ما، دنیای ما،  
آخرت ما، هر چیزی که به ما داده‌ای، به آبروی  
فاطمه در پناه فرزندش حضرت مهدی، حفظ بفرما!  
فرزند فاطمه حضرت مهدی، قلبش را از الان تا ابد از  
ما رضای کن. ما را از یاران مخلص اسلام و قرآن و اهل  
بیت قرار بده.

کسانی که راه خدا را از فقهای دیگر، فقهای غیر اهل  
بیت، از نمی‌دانم، آهنگ‌های دیگر، از عرفان‌های  
دیگر، از سیر و سلوک‌های دیگر، کسانی که راهشان  
از راه اهل بیت نیست، خدایا به آنها هوشیاری و  
توفیق توبه مرحمت بفرما!

آن‌هایی که دنبال اهل بیت می‌روند، آنی از قرآن و اهل بیت جدایشان نکن. آخر جلسه يك بار دیگر به حضرت زهرا سلام کنیم.

«السلام عليك يا فاطمة، سيدة نساء العالمين،  
السلام عليك ورحمة الله وبركاته»